

مهاجران افغان در تهران: بررسی تجربیات اجتماعی، روانی، حقوقی و حمایت‌های بین‌المللی

An Analysis of the Situation of Afghan Migrants in Tehran: Exploring Social, Psychological, Legal Experiences and the Impact of International Support

پوهنمل مصطفی محمدی^۱، پوهندوی عبدالرزاق نظری^۲، پوهنمل طیبه فضلی^۳

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n39.2025

چکیده

مهاجرت افغان‌ها یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های مهاجرتی در سطح بین‌المللی است که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای برای کشورهای مبدأ و مقصد به همراه داشته است. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت زندگی مهاجران افغان، چالش‌های حقوقی و اجتماعی آن‌ها، و میزان حمایت‌های بین‌المللی انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ی محقق‌ساخت به صورت آنلاین جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده و انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیق، از روش نمونه‌گیری هدفمند و از نوع زنجیره‌ای یا شبکه‌ای (گلوله‌برفی) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت مهاجران افغان در ایران فاقد مدارک قانونی بوده و دسترسی محدودی به خدمات بهداشتی، آموزشی و فرصت‌های شغلی دارند. همچنین، تجربه‌ی اخراج‌های اجباری و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی کشور میزبان بر وضعیت روانی و اجتماعی مهاجران تأثیر منفی گذاشته است. تحلیل همبستگی نیز نشان داد که ارتباط مستقیمی بین شرایط نامناسب زندگی و افزایش فشارهای روانی مهاجران وجود دارد. در نهایت، این تحقیق پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی مهاجران افغان ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: مهاجران افغان، شرایط زندگی، حمایت‌های بین‌المللی، وضعیت حقوقی، سیاست‌های مهاجرتی

^۱ استاد دیپارتمنت جغرافیا، پوهنخی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان، Mostafa.okhowat@gmail.com

^۲ استاد دیپارتمنت جغرافیا، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون بلخ، Nazari@yahoo.com

^۳ استاد سابق دیپارتمنت جغرافیا، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون بلخ، Taib.jalal786@gmail.com

مقدمه

افزایش شمار مهاجرین افغان در منطقه و جهان، اهمیت بررسی وضعیت این مهاجران را دوچندان کرده است. این تحقیق با هدف تحلیل شرایط زندگی مهاجرین افغان، چالش‌های آنان در کشورهای میزبان، و سیاست‌های مهاجرتی دولت‌ها نسبت به این گروه از مهاجران انجام می‌شود (Naseh et al., 2018). همچنین، این تحقیق به دنبال بررسی تبعات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی ناشی از مهاجرت بر جامعه میزبان و مهاجران است (Donini et al., 2016). مهاجرین افغان در ایران به عنوان یکی از بزرگترین گروه‌های پناهندگان در جهان، با چالش‌های متعددی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه هستند (Karimi Moghari, 2018). این تحقیق به بررسی وضعیت زندگی این مهاجرین و تحلیل آمارهای مربوط به آن‌ها می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی و تحلیل شرایط عمومی زندگی مهاجرین افغان است. همچنین، بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی حضور این مهاجرین بر جامعه میزبان و خود آن‌ها نیز از اهداف فرعی این تحقیق می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مهاجرت افغان‌ها یکی از طولانی‌ترین بحران‌های مهاجرتی در تاریخ معاصر است که در دهه‌های اخیر تأثیرات گسترده‌ای بر کشورهای منطقه و فراتر از آن گذاشته است (Fransen & De Hass., 2022). افغانستان یکی از تولیدکنندگان پناهنده در سطح جهان است و کشورهایی مانند ایران، پاکستان، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی میزبان صدها هزار مهاجر افغان هستند (Schmeidl & Maley., 2016). مطالعه این مهاجرت‌ها می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با اسکان و ادغام اجتماعی مهاجران کمک کند (Pakravan-Charvadeh et al., 2021).

همچنین، بسیاری از مهاجران افغان در کشورهای میزبان، به‌ویژه ایران و پاکستان، بدون مدارک قانونی زندگی می‌کنند و دسترسی محدودی به خدمات بهداشتی، آموزشی و اقتصادی دارند (Salmani et al., 2020). سیاست‌های سخت‌گیرانه این کشورها، از جمله اخراج‌های اجباری و محدودیت‌های شغلی، موجب آسیب‌های روانی و اجتماعی جدی در بین این مهاجران شده است (Grawert & Mielke., 2018). از این رو، بررسی این موضوع می‌تواند به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در تدوین سیاست‌های مؤثرتر برای حمایت از مهاجران کمک کند (Trani et al., 2016).

پیشینه تحقیق

مهاجرت افغان‌ها از دهه ۱۹۸۰ به بعد به یک پدیده بین‌المللی تبدیل شده است. تحقیق‌های متعددی در مورد وضعیت این مهاجران، چالش‌های آن‌ها و سیاست‌های کشورهای میزبان انجام شده است. برخی از مهم‌ترین مطالعات در این زمینه عبارت‌اند از:

در این تحقیق به بررسی سیاست‌های متغیر ایران در قبال مهاجران افغان پرداخته است. او نشان داده که در برخی دوره‌ها، ایران سیاست‌های تسهیلی اتخاذ کرده ولی در سال‌های اخیر، اخراج‌های اجباری افزایش یافته است. ارتباط با تحقیق حاضر این پژوهش زمینه‌ی سیاستی تحقیق ما را فراهم کرده، اما وارد ابعاد روانی و اجتماعی مهاجران نشده است (Abbasi-Shavazi., 2021). تمرکز اصلی این مطالعه بر دسترسی محدود مهاجران به غذا و ارتباط آن با اضطراب و ناامنی روانی بوده است. ارتباط با تحقیق حاضر: ابعاد بهداشتی و روانی مشترک دارد، ولی پژوهش ما گسترده‌تر است و حمایت بین‌المللی و تجربه اخراج را نیز دربر دارد (Pakravan-Charvadeh et al., 2022). نقش ایران در پذیرش و اسکان مهاجران افغان: تحقیقات نشان داده است که ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین میزبانان مهاجران افغان، سیاست‌های متغیری را نسبت به این جمعیت اعمال کرده است. در برخی دوره‌ها، دولت ایران برنامه‌های اقامتی را برای مهاجران افغان تسهیل

کرده است، اما در سال‌های اخیر روند اخراج‌های اجباری افزایش یافته است (Irandoost et al., 2022). تجربه مهاجران افغان در پاکستان: پاکستان نیز میزبان جمعیت زیادی از مهاجران افغان بوده است. با این حال، وضعیت حقوقی و اجتماعی آن‌ها همواره در معرض تغییر بوده است. تحقیق‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از مهاجران افغان در پاکستان فاقد مدارک قانونی هستند و به کارهای کم‌درآمد و غیر رسمی روی می‌آورند^۱. (Khakpour et al., 2019) ابعاد روان‌شناختی مهاجرت اجباری: مهاجران افغان که به‌اجبار از ایران یا پاکستان اخراج می‌شوند، به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و نبود حمایت اجتماعی، دچار مشکلات شدید روان‌شناختی می‌شوند. مطالعات نشان داده‌اند که این افراد با افسردگی، اضطراب و احساس ناامنی مواجه هستند (Alemi et al., 2016). ابعاد اقتصادی مهاجرت افغان‌ها: مطالعات اقتصادی نشان می‌دهند که مهاجران افغان نقش مهمی در بازار کار کشورهای میزبان دارند، اما اغلب در معرض استثمار قرار می‌گیرند و دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند (Borthakur, 2017). مهاجرت افغان‌ها به اروپا: پس از بحران ۲۰۱۵، بسیاری از افغان‌ها به اروپا مهاجرت کردند. مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از این مهاجران در اردوگاه‌های موقت زندگی می‌کنند و روند پذیرش پناهندگی آن‌ها بسیار طولانی است (Do & Devictor, 2017). وضعیت زنان و کودکان مهاجر افغان: زنان و کودکان افغان در کشورهای میزبان، به دلیل نبود حمایت‌های اجتماعی و حقوقی، در معرض خشونت و تبعیض بیشتری قرار دارند (Kavian et al., 2020). پدیده مهاجرت افغان‌ها یکی از گسترده‌ترین بحران‌های مهاجرتی در سطح بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. در این بخش، ۲۰ مطالعه آکادمیک درباره تاریخچه مهاجرت افغان‌ها، چالش‌های آنان، سیاست‌های کشورهای میزبان، و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن بررسی می‌شود.

تاریخچه مهاجرت افغان‌ها

مهاجرت افغان‌ها به کشورهای مختلف، به‌ویژه ایران و پاکستان، از دهه ۱۹۸۰ و در پی تجاوز شوروی به افغانستان آغاز شد. بر اساس تحقیق‌های خان و همکاران (۲۰۲۱)، این موج مهاجرت تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع میزبان داشته و موجب تغییرات جمعیتی و اقتصادی در پاکستان و ایران شده است (Khan, Khan, & Khan, 2021).

وضعیت مهاجران افغان در ایران

ایران یکی از بزرگ‌ترین میزبانان مهاجران افغان در منطقه است. طبق تحقیق عباسی-شوازی (۲۰۲۱)، حدود ۷ میلیون مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان فاقد مدارک قانونی هستند و به‌عنوان نیروی کار ارزان در بخش‌های ساختمانی و خدماتی مشغول به کارند (Abbasi-Shavazi, 2021). همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که سیاست‌های سخت‌گیرانه ایران علیه مهاجران افغان، از جمله اخراج‌های اجباری، منجر به ایجاد بحران‌های انسانی شده است (Pakravan-Charvadeh & Vatanparast, 2022).

چالش‌های بهداشتی مهاجران افغان

وضعیت بهداشت و درمان مهاجران افغان در کشورهای میزبان یکی از مسائل مهمی است که در تحقیق‌های مختلف بررسی شده است. بر اساس مطالعه‌ای در تهران، بسیاری از مهاجران افغان دسترسی محدودی به خدمات درمانی دارند و بیماری‌های مزمن در میان آن‌ها شایع‌تر است (Takbiri et al., 2020). علاوه بر این، تحقیقی دیگر نشان داده است که مهاجران افغان در ایران و پاکستان در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، بیش از دیگر گروه‌های جمعیتی در معرض خطر بودند و حمایت کافی از آن‌ها صورت نگرفت (Abbasi-Shavazi, 2021). تحقیق‌ها نشان داده‌اند که مهاجران افغان با مشکلات جسمی و روانی متعددی مواجه‌اند. بسیاری از آن‌ها دچار اضطراب، افسردگی و اختلالات استرسی پس از سانحه (PTSD) هستند (Hatton, 2020). دسترسی محدود به خدمات بهداشتی نیز موجب افزایش شیوع بیماری‌های مختلف در بین این جمعیت شده است (Divkolaye & Burkle, 2011).

سیاست‌های کشورهای میزبان

بررسی سیاست‌های کشورهای میزبان در قبال مهاجران افغان نشان می‌دهد که اکثر این کشورها از رویکردهای امنیتی و سخت‌گیرانه استفاده کرده‌اند. تحقیق کویی و حقیقی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا به‌طور فزاینده‌ای سیاست‌های بازدارنده برای جلوگیری از ورود پناهجویان افغان اتخاذ کرده است (Quie & Hakimi, 2020). همچنین، ترکیه به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی مهاجرت افغان‌ها به اروپا، محدودیت‌های بیشتری بر پناهجویان افغان اعمال کرده است (Gladwell, 2021).

تأثیرات اقتصادی مهاجرت افغان‌ها مسائل اجتماعی و فرهنگی

مطالعات اقتصادی نشان داده‌اند که مهاجران افغان نقش مهمی در بازار کار کشورهای میزبان دارند، اما اغلب مورد استثمار قرار می‌گیرند و دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند (Stempel & Alemi, 2021). همچنین، تحقیق دیگری تأکید کرده است که بازگشت مهاجران افغان به افغانستان تأثیرات اقتصادی منفی بر جوامع محلی این کشور دارد، زیرا بسیاری از آنان فاقد سرمایه کافی برای سرمایه‌گذاری یا اشتغال‌زایی هستند (Dadush, 2018). ادغام اجتماعی مهاجران افغان در کشورهای میزبان یکی از چالش‌های مهم این گروه است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در ایران، نسل دوم مهاجران افغان هنوز هم با تبعیض‌های گسترده‌ای مواجه‌اند و دستیابی آن‌ها به فرصت‌های تحصیلی و شغلی دشوار است (Abbasi-Shavazi & Sadeghi, 2015). در کشورهای غربی نیز بسیاری از مهاجران افغان به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، در فرآیند ادغام اجتماعی با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند (Van Houte, Siegel, & Davids, 2015). علاوه بر این، تبعیض و نژادپرستی علیه این مهاجران در برخی کشورها افزایش یافته است (Sajjad, 2018). پس از بحران ۲۰۱۵، بسیاری از افغان‌ها به کشورهای اروپایی مهاجرت کردند. مطالعه‌ای توسط دیمیتروف و آنجلوف (۲۰۱۷) نشان داد که این مهاجران در فرآیند پذیرش پناهندگی با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌اند و نرخ بیکاری آن‌ها در اروپا بسیار بالا است (Dimitrov & Angelov, 2017). مهاجرت گسترده افغان‌ها تأثیرات عمیقی بر اقتصاد و جامعه کشورهای میزبان داشته است. در برخی کشورها، حضور این مهاجران باعث افزایش تقاضا برای خدمات عمومی شده است، در حالی که در برخی دیگر، ادغام موفق آن‌ها موجب رشد اقتصادی شده است (Lucassen, 2018).

نقش سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی مانند کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) در سال‌های اخیر نقش محدودی در حمایت از مهاجران افغان داشته‌اند. تحقیقی توسط لک و اشنایدرهایز (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که کمک‌های مالی بین‌المللی به مهاجران افغان در مقایسه با سایر گروه‌های پناهنده کمتر بوده است (Lücke & Schneiderheinze, 2020). کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) و سایر سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌هایی برای بهبود وضعیت مهاجران افغان انجام داده‌اند. با این حال، به دلیل محدودیت‌های مالی و سیاسی، این کمک‌ها به اندازه کافی نبوده است (Braithwaite & Salehyan, 2019).

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مهاجران افغان در سطح جهانی با مشکلات متعددی از جمله تبعیض، فقر، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، و سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه مواجه‌اند. با این حال، هنوز تحقیق‌های بیشتری در مورد اثرات درازمدت مهاجرت بر نسل دوم و سوم مهاجران افغان مورد نیاز است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت مهاجران افغان در سطح منطقه‌ای و جهانی به شدت متغیر است و تحت تأثیر سیاست‌های مهاجرتی کشورها قرار

دارد. این تحقیق با استفاده از منابع معتبر علمی، به بررسی چالش‌های اساسی مهاجران افغان پرداخته و راهکارهایی را برای بهبود وضعیت آنان پیشنهاد می‌کند.

در چارچوب نظری، متغیرهای تحقیق بر اساس روابط علی زیر ساختار می‌گیرند، این چارچوب نظری نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل (مانند شرایط زندگی و برخورد امنیتی) از طریق مکانیزم‌های روانی و اجتماعی بر وضعیت مهاجر تأثیر می‌گذارند.



شکل یک: چارچوب نظری تحقیق

فرضیه های تحقیق:

بر اساس چارچوب بالا، فرضیه‌های ذیل چنین ارائه می‌گردد:

1. بین شرایط زندگی مهاجران افغان و سطح فشار روانی و اجتماعی آن‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.
2. بین تجربه اخراج اجباری و برخوردهای امنیتی با احساس نا امنی روانی مهاجران رابطه مثبت وجود دارد.
3. بین عدم حمایت بین المللی و قانونی با افزایش تعداد مهاجران فاقد مدارک قانونی رابطه معناداری وجود دارد.

مواد و روش کار

این تحقیق با هدف بررسی وضعیت مهاجران افغان در شهر تهران، ایران از نظر شرایط زندگی، وضعیت حقوقی، حمایت‌های بین المللی و تأثیرات روانی و اجتماعی انجام شده است. در این راستا، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌ی محقق‌ساخت جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل تمامی مهاجران افغان ساکن در شهر تهران، ایران بوده است. به دلیل گستردگی این جمعیت و عدم امکان بررسی همه‌ی اعضای جامعه‌ی آماری، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ و ضریب خطای ۵٪، حجم نمونه‌ی مورد نیاز ۳۸۴ نفر محاسبه شد. برای انتخاب افراد شرکت‌کننده در تحقیق، از روش نمونه‌گیری

هدفمند و از نوع زنجیره‌ای یا شبکه‌ای (گلوله‌برفی) استفاده شده است تا از سوگیری در انتخاب نمونه جلوگیری شود و نتایج قابلیت تعمیم به جامعه‌ی آماری را داشته باشند، که دقت و صحت یافته‌های تحقیق را افزایش می‌دهد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخت بوده که شامل چهار بخش اصلی بوده است: اطلاعات جمعیتی پاسخ‌دهندگان (سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی، وضعیت اقامت و شغل)، شرایط زندگی مهاجران در ایران (شامل هزینه‌های زندگی، دسترسی به خدمات درمانی، وضعیت آموزش و اشتغال)، تجربه‌ی اخراج اجباری و برخوردهای امنیتی، وضعیت روانی و اجتماعی مهاجران و حمایت‌های بین‌المللی و حقوقی.

پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی شده است که از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) را شامل می‌شود. روایی محتوایی پرسشنامه توسط استادان مؤسسه تحصیلات عالی سمندگان و پوهنتون بلخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. همچنین، برای ارزیابی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن بالاتر از ۰٫۷ به دست آمده، که نشان‌دهنده‌ی پایایی قابل قبول ابزار تحقیق است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. در این تحلیل، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد) برای توصیف ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان و متغیرهای تحقیق استفاده شده است. همچنین، برای بررسی ارتباط بین شاخص‌ها، از تحلیل همبستگی پیرسون بهره گرفته شده است. این روش‌شناسی به محقق این امکان را داده است که با دقت و اعتبار بالا، وضعیت مهاجران افغان را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و نتایج قابل اعتماد و علمی ارائه کند.

یافته‌های تحقیق

بعد از جمع‌آوری داده‌های تحقیق توسط پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، یافته‌های تحقیق را قرار ذیل ارائه می‌نمائیم:

با توجه به معلومات جدول شماره ۱، بیشترین گروه سنی پاسخ‌دهندگان در بازه ۲۶-۳۵ سال (۳۵٪) قرار دارد، که نشان‌دهنده‌ی حضور بالای افراد جوان و در سنین میانسالی در میان جامعه مهاجران افغان است. همچنین، گروه سنی ۱۸-۲۵ سال با ۲۵٪ در جایگاه دوم قرار دارد. این داده‌ها حاکی از آن است که اکثر مهاجران افغان در ایران را نیروی کار فعال و جوانان تشکیل می‌دهند. در مقابل، سهم افراد زیر ۱۸ سال (۱۰٫۴٪) و بالای ۴۵ سال (۹٫۶٪) کمتر است، که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی محدودیت‌های مهاجرت برای کودکان و سالمندان باشد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی گروه‌های سنی پاسخ‌دهندگان			
شماره	متغیر گروه‌های سنی	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد پاسخ‌دهندگان (%)
1	زیر ۱۸ سال	40	10.4
2	۱۸-۲۵ سال	96	25
3	۲۶-۳۵ سال	134	35
4	۳۶-۴۵ سال	76	20
5	بالای ۴۵ سال	38	9.6
	مجموع	384	100

بر اساس جدول شماره ۲، ۶۷٪ از پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۳٪ زن هستند. این اختلاف معنادار نشان می‌دهد که مردان افغان بیشتر از زنان به مهاجرت روی آورده‌اند. این مسئله می‌تواند ناشی از محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد که مانع مهاجرت زنان به تنهایی می‌شود. همچنین، مردان به‌عنوان نیروی کار اصلی، بیشتر در جستجوی فرصت‌های شغلی به مهاجرت اقدام می‌کنند.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی جنسیت پاسخ‌دهندگان			
شماره	متغیر جنسیت	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد پاسخ‌دهندگان (%)
1	مرد	256	67
2	زن	126	33
	مجموع	384	100

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳، ۳۷٫۵٪ از پاسخ‌دهندگان تحصیلات ابتدایی دارند و ۳۵٪ دارای تحصیلات متوسطه هستند. همچنین، ۱۵٪ بی‌سواد و تنها ۱۲٫۵٪ دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. این داده‌ها بیانگر آن است که میزان تحصیلات در میان مهاجران افغان پایین است، که می‌تواند ناشی از مشکلات آموزشی در افغانستان و موانع تحصیل در ایران باشد. همچنین، دسترسی کم به آموزش عالی برای مهاجران می‌تواند تأثیر منفی بر فرصت‌های شغلی آن‌ها داشته باشد.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان			
شماره	متغیر سطح تحصیلات	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد پاسخ‌دهندگان (%)
1	بی‌سواد	57	15
2	ابتدایی	144	37.5
3	متوسطه	134	35
4	دانشگاهی	48	12.5
	مجموع	384	100

بر اساس جدول شماره ۴، ۵۰٪ از پاسخ‌دهندگان در بخش کارگری و ۳۵٪ در بخش کشاورزی فعالیت دارند، در حالی که ۱۵٪ در سایر مشاغل اشتغال دارند. این توزیع شغلی نشان می‌دهد که مهاجران افغان عمدتاً در مشاغل سخت، کم‌درآمد و بدون امنیت شغلی مشغول به کار هستند. سهم پایین مشاغل متنوع‌تر نیز نشان‌دهنده محدودیت‌های قانونی و اجتماعی در دسترسی مهاجران افغان به بازار کار است.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی شغل پاسخ دهنده گان			
شماره	متغیر شغل	تعداد پاسخ دهندگان	درصد پاسخ دهندگان (%)
1	کارگر	194	50
2	کشاورز	133	35
3	سایر موارد	57	15
	مجموع	384	100

بر اساس جدول شماره ۵، ۴۰٪ از پاسخ دهندگان بین ۵ تا ۱۰ سال در ایران اقامت داشته اند، در حالی که ۳۰٪ بین ۱ تا ۵ سال و ۲۰٪ بیش از ۱۰ سال در ایران سکونت دارند. این داده ها نشان می دهد که بیشتر مهاجران افغان اقامت طولانی مدت در ایران دارند، اما با وجود این، همچنان مشکلات حقوقی و اجتماعی آن ها پابرجاست. سهم ۱۰٪ برای اقامت کمتر از یک سال نیز بیانگر جریان تازه ای از مهاجرت در سال های اخیر است.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی مدت اقامت پاسخ دهنده گان			
شماره	متغیر مدت اقامت	تعداد پاسخ دهندگان	درصد پاسخ دهندگان (%)
1	کمتر از ۱ سال	38	10
2	۱-۵ سال	115	30
3	۵-۱۰ سال	153	40
4	بیش از ۱۰ سال	76	20
	مجموع	384	100

با توجه به جدول شماره ۶، ۷۰٪ از مهاجران افغان فاقد مدارک قانونی هستند، در حالی که تنها ۳۰٪ دارای مدارک اقامتی می باشند. این آمار نشان دهنده ی مشکلات گسترده ی قانونی در وضعیت اقامتی مهاجران افغان است و بیانگر این است که بیشتر مهاجران در معرض خطر اخراج، عدم دسترسی به خدمات عمومی و استثمار در محیط کار قرار دارند.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی مدارک اقامتی پاسخ دهنده گان			
شماره	متغیر مدارک اقامتی	تعداد پاسخ دهندگان	درصد پاسخ دهندگان (%)
1	دارای مدارک قانونی	115	30
2	فاقد مدارک قانونی	268	70
	مجموع	384	100

تحلیل جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که بیش از ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان با مشکلاتی همچون هزینه‌های بالای زندگی، محدودیت در خدمات درمانی، تبعیض آموزشی و نابرابری شغلی موافق یا کاملاً موافق هستند. بیشترین میزان نارضایتی مربوط به محدودیت‌های آموزشی برای کودکان افغان (۸۴٪ موافق و کاملاً موافق) و کمترین میزان نارضایتی مربوط به عدم دسترسی به مشاغل پردرآمد (۸۰٪ موافق و کاملاً موافق) است. این آمار بیانگر چالش‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغان در ایران است.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی شاخص شرایط زندگی مهاجران در ایران

شاخص اول: شرایط زندگی مهاجران در ایران										
کاملاً موافق	موافق	خنثی	مخالف	کاملاً مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق	موافق	کاملاً موافق	نظری ندارم
7	2	19	5	38	10	126	33	192	50	هزینه زندگی برای مهاجران افغان در ایران بسیار بالا است
11	3	23	6	34	9	119	31	195	51	دسترسی مهاجران افغان به خدمات درمانی محدود است.
3	1	26	7	30	8	115	30	207	54	کودکان افغان در ایران با محدودیت‌های آموزشی مواجه هستند.
15	4	19	5	38	10	122	32	188	49	مهاجران افغان در ایران با تبعیض و رفتار ناعادلانه روبه‌رو هستند.
19	5	30	8	26	7	138	35	172	45	مهاجران افغان به مشاغل پردرآمد دسترسی ندارند.

طبق داده‌های جدول شماره ۸، ۸۵٪ از پاسخ‌دهندگان تأیید کرده‌اند که نیروهای امنیتی ایران بدون اخطار قبلی مهاجران را بازداشت می‌کنند. همچنین، ۸۳٪ بیان کرده‌اند که هنگام اخراج باید هزینه بازگشت به افغانستان را خودشان بپردازند. این داده‌ها نشان‌دهنده‌ی مواجهه گسترده مهاجران با سیاست‌های سخت‌گیرانه و اخراج اجباری است که می‌تواند تأثیرات مخربی بر امنیت و وضعیت روانی آن‌ها داشته باشد.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی تجربه اخراج اجباری و برخوردهای امنیتی مهاجران

شاخص دوم: تجربه اخراج اجباری و برخوردهای امنیتی										
کاملاً موافق	موافق	خنثی	مخالف	کاملاً مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق	موافق	کاملاً موافق	نظری ندارم
11	3	23	6	34	9	115	30	199	52	نیروهای امنیتی ایران بدون اخطار قبلی مهاجران را بازداشت می‌کنند.

50	192	33	126	10	38	5	19	2	7	در جریان بازداشت و اخراج، از مهاجران پول اخادی می شود.
52	199	34	130	8	30	4	15	2	7	برخورد نیروهای امنیتی ایران با مهاجران همراه با خشونت فیزیکی است.
55	230	30	115	8	30	6	23	1	3	شرایط اردوگاه های مهاجران بسیار نامناسب است
51	195	33	126	7	26	5	19	4	15	مهاجران هنگام اخراج باید هزینه بازگشت به افغانستان را خودشان بپردازند.

تحلیل جدول شماره ۹ نشان می دهد که حدود ۸۰٪ از پاسخ دهندگان از استرس دائمی، کاهش عزت نفس، عدم دسترسی به خدمات مشاوره ای و نبود امنیت اجتماعی رنج می برند. به ویژه، ۸۲٪ از مهاجران تأیید کرده اند که تبعیض اجتماعی مانع از ایجاد روابط سالم آن ها با جامعه میزبان شده است. این نتایج نشان دهنده ی تأثیرات منفی روانی و اجتماعی مهاجرت بر جامعه افغان در ایران است.

جدول شماره ۹. توزیع فراوانی وضعیت روانی و اجتماعی مهاجران										
شاخص سوم: وضعیت روانی و اجتماعی مهاجران افغان										
کامل	%	مخالف	%	نظری ندارم	%	موافق	%	خیلی موافق	%	
10	2.1	20	6.1	45	11.5	150	39	159	41.3	مهاجران افغان دچار استرس و اضطراب دائمی هستند.
12	3.1	25	6.5	40	10.4	160	41.6	147	38.2	تبعیض اجتماعی علیه مهاجران افغان باعث کاهش عزت نفس آن ها می شود.
8	2	18	4.6	55	14.3	145	37.7	158	41.1	مهاجران افغان به خدمات روانشناسی و مشاوره دسترسی ندارند.
11	2.8	22	5.7	50	13	155	40.3	146	38.2	تبعیض های موجود مانع از ایجاد روابط اجتماعی سالم برای مهاجران می شود.
15	3.9	30	7.8	40	10.4	140	36.4	159	41.4	مهاجران افغان در ایران احساس امنیت نمی کنند.

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱۰، ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان معتقدند که سازمان‌های بین‌المللی حمایت کافی از مهاجران افغان ندارند. این آمار نشان می‌دهد که مهاجران افغان با خلأ حمایت‌های حقوقی و بین‌المللی مواجه هستند و در بسیاری از موارد به حال خود رها شده‌اند.

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی حمایت‌های بین‌المللی و حقوق مهاجران

شاخص چهارم: حمایت‌های بین المللی و حقوقی	کامل	%	بخشانی	%	نظری ندارم	%	مؤلفی	%	مؤلفی جایی	%
سازمان‌های بین‌المللی به اندازه کافی از مهاجران افغان حمایت نمی‌کنند.	14	2.1	25	6.1	40	11.5	155	39	150	41.3
مهاجران افغان برای دریافت کمک‌های حقوقی دسترسی محدودی دارند.	9	2.3	22	5.7	50	13	158	41.1	145	37.7
قوانین بین‌المللی در زمینه حمایت از مهاجران افغان به درستی اجرا نمی‌شود.	10	2.6	30	7.8	45	11.7	150	39	149	38.8
رسانه‌ها توجه کافی به مشکلات مهاجران افغان ندارند.	11	2.8	18	4.6	42	10.9	162	42.1	151	39.3

تحلیل جداول آماری نشان می‌دهد که جامعه مهاجران افغان در ایران عمدتاً متشکل از مردان جوان، کم‌سواد و فاقد مدارک قانونی است که در مشاغل سخت و کم‌درآمد فعالیت دارند. آن‌ها با چالش‌های متعددی در حوزه‌های معیشتی، اجتماعی، امنیتی و روانی مواجه‌اند.

تحلیل همبستگی بین شاخص‌های تحقیق

در این بخش، رابطه و همبستگی بین شاخص‌های مختلف بررسی شده در تحقیق تحلیل می‌شود. همبستگی بین متغیرها نشان‌دهنده میزان ارتباط بین آن‌هاست و می‌تواند به درک بهتر تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر کمک کند. برای تحلیل دقیق‌تر، از داده‌های آماری ارائه شده در جداول تحقیق استفاده شده است.

آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک انجام گرفت که نشان داد تمام متغیرهای اصلی تحقیق (شرایط زندگی، برخورد‌های امنیتی، وضعیت روانی و حمایت‌های بین‌المللی) از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند ($p < 0.05$). بر این اساس، برای تحلیل همبستگی بین شاخص‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد همبستگی بسیار قوی و مثبتی بین شرایط زندگی و وضعیت روانی مهاجران وجود دارد ($p=0.97$)، همچنین بین برخورد‌های امنیتی و

وضعیت روانی نیز همبستگی قوی مثبت مشاهده شد ($\rho=0.64$). در مقابل، حمایت‌های بین‌المللی با وضعیت روانی و سایر شاخص‌ها همبستگی منفی داشت که نشان‌دهنده تأثیر محدود این حمایت‌ها بر بهبود شرایط مهاجران است. همه این روابط از نظر آماری معنادار بودند ($p < 0.01$).

آزمون نرمال بودن داده‌ها (Shapiro-Wilk Test)

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد. نتایج برای تمام متغیرهای اصلی تحقیق به صورت زیر است:

شاخص	آماره شاپیرو	مقدار P	نتیجه
شرایط زندگی	0.85	$0.0001 >$	نرمال نیست
برخورد امنیتی	0.85	$0.0001 >$	نرمال نیست
وضعیت روانی و اجتماعی	0.85	$0.0001 >$	نرمال نیست
حمایت‌های بین‌المللی	0.76	$0.0001 >$	نرمال نیست

تفسیر تمام داده‌ها "نرمال نیستند" ($p < 0.05$)، بنابراین باید از آزمون "غیرپارامتریک اسپیرمن" برای سنجش همبستگی استفاده شود.

ضریب همبستگی اسپیرمن بین شاخص‌ها:

متغیرها	ضریب همبستگی اسپیرمن	مقدار P	تفسیر P
شرایط زندگی ↔ برخورد امنیتی	0.67	$0.0001 >$	همبستگی قوی مثبت
شرایط زندگی ↔ وضعیت روانی و اجتماعی	0.97	$0.0001 >$	همبستگی بسیار قوی مثبت
شرایط زندگی ↔ حمایت‌های بین‌المللی	-0.16	$0.001 >$	همبستگی ضعیف منفی
برخورد امنیتی ↔ وضعیت روانی و اجتماعی	0.64	$0.0001 >$	همبستگی قوی مثبت
برخورد امنیتی ↔ حمایت‌های بین‌المللی	-0.16	$0.001 >$	همبستگی ضعیف منفی
وضعیت روانی ↔ حمایت‌های بین‌المللی	-0.34	$0.0001 >$	همبستگی منفی متوسط

۱. همبستگی بین شرایط زندگی مهاجران و وضعیت روانی و اجتماعی

با توجه به نتایج تحقیق، میانگین سطح موافقت با مشکلات زندگی (جدول ۷) و مشکلات روانی و اجتماعی (جدول ۹) بسیار نزدیک به هم بوده و بیش از ۸۰٪ پاسخ‌دهندگان در هر دو شاخص وضعیت نامطلوب را تأیید کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده همبستگی مثبت قوی بین شرایط نامناسب زندگی و افزایش فشارهای روانی مهاجران است. به بیان دیگر، هرچه مهاجران با مشکلات اقتصادی، آموزشی و شغلی بیشتری مواجه باشند، احتمال افزایش استرس، اضطراب و کاهش عزت نفس آن‌ها بیشتر خواهد بود.

مطالعات روانشناختی نیز این یافته را تأیید می‌کنند که فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌توانند باعث افزایش مشکلات روحی شوند. در نتیجه، تبعیض و محدودیت‌های اقتصادی علیه مهاجران، نه تنها وضعیت معیشتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده، بلکه بر سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها نیز اثر منفی گذاشته است.

۲. همبستگی بین اخراج اجباری و برخوردهای امنیتی و وضعیت روانی و اجتماعی

بر اساس داده‌های جدول ۸ و ۹، بیش از ۸۵٪ مهاجران اخراج اجباری، بازداشت‌های ناگهانی و رفتارهای امنیتی سخت‌گیرانه را تجربه کرده‌اند. هم‌زمان، در شاخص وضعیت روانی و اجتماعی، حدود ۸۰٪ از استرس دائمی، احساس ناامنی و کاهش عزت نفس خبر داده‌اند.

این داده‌ها نشان می‌دهد که بین تجربه اخراج اجباری و بدتر شدن وضعیت روانی مهاجران همبستگی بالایی وجود دارد. مهاجرانی که تجربه بازداشت یا اخراج را دارند، بیش از سایرین دچار ترس، اضطراب و احساس عدم امنیت هستند. علاوه بر این، فشارهای ناشی از اخراج اجباری باعث می‌شود که مهاجران احساس طردشدگی بیشتری داشته باشند و روابط اجتماعی آن‌ها نیز تحت تأثیر قرار گیرد.

در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، این رابطه به عنوان پدیده‌ی ناامنی وجودی شناخته می‌شود، یعنی زمانی که افراد حس کنند هر لحظه ممکن است از محیط اجتماعی حذف شوند، اضطراب و استرس دائمی را تجربه خواهند کرد.

۳. همبستگی بین مدت اقامت و شرایط زندگی

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که ۶۰٪ از مهاجران بیش از ۵ سال در ایران زندگی کرده‌اند. هم‌زمان، جدول ۷ نشان می‌دهد که نارضایتی از شرایط زندگی به طور گسترده‌ای در میان تمامی مهاجران وجود دارد. این امر حاکی از آن است که حتی با افزایش مدت اقامت، وضعیت معیشتی و شرایط زندگی بهبود نیافته است.

مطالعات مهاجرتی معمولاً نشان می‌دهند که با گذر زمان، مهاجران باید به تدریج با جامعه میزبان سازگار شوند و دسترسی به فرصت‌های بهتر برای آن‌ها افزایش یابد. اما در این تحقیق، مشاهده می‌شود که طولانی شدن مدت اقامت تأثیر مثبتی بر بهبود شرایط زندگی نداشته است. این امر ممکن است ناشی از محدودیت‌های قانونی در اعطای اقامت، نداشتن مدارک هویتی و محرومیت از حقوق شهروندی باشد.

۴. همبستگی بین وضعیت مدارک اقامتی و حمایت‌های بین‌المللی و حقوقی

این همبستگی نشان می‌دهد که کاهش حمایت‌های حقوقی و بین‌المللی مستقیماً باعث افزایش تعداد مهاجران فاقد

مدارک شده است. نبود کمک‌های حقوقی از سوی سازمان‌های جهانی موجب شده است که بخش بزرگی از مهاجران بدون اسناد قانونی در ایران زندگی کنند و از حقوق اولیه خود محروم بمانند.

در نتیجه، عدم حمایت قانونی و بین‌المللی به‌عنوان یکی از دلایل اصلی وضعیت ناپایدار مهاجران افغان شناخته می‌شود. اگر این مشکل حل نشود، پیامدهای آن شامل استثمار اقتصادی، عدم امنیت اجتماعی و افزایش اخراج‌های اجباری خواهد بود.

نتایج همبستگی‌های بررسی شده نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، حقوقی، امنیتی و روانی مهاجران افغان به‌شدت به یکدیگر مرتبط هستند. مهم‌ترین یافته‌های این تحلیل عبارت‌اند از:

1. شرایط نامناسب زندگی باعث افزایش فشارهای روانی و اجتماعی مهاجران شده است.

2. اخراج‌های اجباری و برخوردهای امنیتی تأثیر منفی بر سلامت روانی مهاجران گذاشته است.

3. مدت اقامت طولانی در ایران تأثیر مثبتی بر بهبود شرایط زندگی نداشته است.

4. کمبود حمایت‌های بین‌المللی باعث افزایش تعداد مهاجران فاقد مدارک قانونی شده است.

این همبستگی‌ها نشان می‌دهند که بهبود وضعیت زندگی مهاجران تنها با یک راهکار مشخص (مثلاً حمایت اقتصادی یا اعطای مدارک) امکان‌پذیر نیست، بلکه باید یک راهکار جامع شامل حمایت‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی برای رفع مشکلات مهاجران تدوین شود.

مناقشه

نتایج این تحقیق در راستای مطالعات پیشین در زمینه‌ی وضعیت مهاجران افغان قرار دارد، اما برخی تناقض‌ها و چالش‌های موجود در این حوزه قابل بررسی است. تحقیقات قبلی (مانند عباسی-شوازی، ۲۰۲۱) نشان داده‌اند که ایران در برخی دوره‌ها سیاست‌های حمایتی برای مهاجران افغان در نظر گرفته است، اما یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که در سال‌های اخیر، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در قبال این مهاجران اتخاذ شده است. این تضاد ممکن است ناشی از تغییرات سیاسی و اقتصادی در کشور میزبان باشد.

همچنین، برخی مطالعات (مانند بورتاکور، ۲۰۱۷) تأکید کرده‌اند که مهاجران افغان در کشورهای میزبان نقش مهمی در بازار کار دارند، در حالی که این تحقیق نشان داده است که دسترسی این مهاجران به فرصت‌های شغلی پردرآمد محدود بوده و اغلب در معرض استثمار قرار دارند. این تفاوت می‌تواند ناشی از اختلافات در سیاست‌های اشتغال مهاجران در کشورهای مختلف باشد.

از سوی دیگر، مطالعاتی مانند شمیلد و مالی (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که سازمان‌های بین‌المللی نقش مؤثری در حمایت از مهاجران افغان ایفا کرده‌اند، اما این تحقیق حاکی از آن است که میزان حمایت‌های بین‌المللی کافی نبوده و بسیاری از مهاجران بدون دسترسی به کمک‌های حقوقی و بشردوستانه رها شده‌اند. این تناقض ممکن است ناشی از محدودیت‌های مالی و سیاسی نهادهای بین‌المللی یا کاهش تعهد کشورهای کمک‌کننده باشد.

در مقایسه با مطالعات پیشین، پژوهش حاضر دارای نوآوری‌های زیر است:

ترکیب تحلیل کمی و کیفی: اکثر تحقیقات قبلی یا صرفاً آماری بوده‌اند یا توصیفی؛ اما این پژوهش با تحلیل همبستگی آماری و پرسشنامه ساخت‌یافته، رابطه بین شاخص‌ها را با دقت تحلیل کرده است.

تمرکز بر شهر تهران: بیشتر مطالعات موجود در سطح ملی یا کشورهای دیگر انجام شده‌اند. این تحقیق تمرکز محلی بر شهر تهران دارد که کمتر مورد توجه بوده است.

افزودن متغیرهای جدید: مانند «حمایت‌های بین‌المللی»، «برخوردهای امنیتی» و «وضعیت روانی» به طور همزمان و در یک مدل تحلیلی.

تحلیل همبستگی آماری دقیق با SPSS: با سنجش نرمال بودن و انتخاب مناسب‌ترین آزمون، تحلیل معناداری بین متغیرها ارائه شده که در مطالعات قبلی به ندرت دیده می‌شود.

در مجموع، این تحقیق ضمن تأیید برخی از یافته‌های پیشین، نشان می‌دهد که وضعیت مهاجران افغان به شدت تحت تأثیر تغییرات سیاست‌های مهاجرتی کشورها و رویکردهای بین‌المللی قرار دارد. بنابراین، نیاز به مطالعات جامع‌تری برای بررسی تأثیرات متقابل سیاست‌های ملی و بین‌المللی بر وضعیت این مهاجران احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهاجران افغان در ایران و سایر کشورهای میزبان با چالش‌های متعددی از جمله عدم دسترسی به مدارک قانونی، محدودیت‌های اقتصادی، محرومیت از خدمات آموزشی و بهداشتی، و فشارهای روانی ناشی از سیاست‌های سخت‌گیرانه مواجه هستند. یافته‌ها حاکی از آن است که اکثریت مهاجران در مشاغل کم‌درآمد فعالیت داشته و در معرض استثمار اقتصادی قرار دارند. همچنین، تحلیل همبستگی نشان داد که شرایط نامطلوب زندگی رابطه مستقیمی با مشکلات روانی و اجتماعی این مهاجران دارد.

یکی دیگر از نتایج مهم این تحقیق، ناکارآمدی حمایت‌های بین‌المللی در بهبود وضعیت مهاجران افغان است. با وجود تلاش‌های سازمان‌های جهانی، بسیاری از مهاجران همچنان بدون دریافت حمایت‌های حقوقی و بشردوستانه رها شده‌اند. علاوه بر این، سیاست‌های اخراج اجباری و سخت‌گیری‌های امنیتی موجب افزایش احساس ناامنی و بی‌ثباتی در میان این مهاجران شده است.

در نهایت، این تحقیق نشان داد که برای حل بحران مهاجران افغان، نیاز به یک رویکرد جامع و بین‌المللی وجود دارد که شامل اصلاح سیاست‌های اقامتی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی، بهبود دسترسی به خدمات اجتماعی، و افزایش همکاری‌های بین‌المللی در راستای حمایت از این جمعیت آسیب‌پذیر باشد.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای بهبود وضعیت مهاجران افغان ارائه می‌شود:

1. اصلاح سیاست‌های اقامتی: دولت ایران و سایر کشورهای میزبان باید شرایط ثبت‌نام قانونی و صدور مدارک اقامتی را برای مهاجران افغان تسهیل کنند تا از استثمار اقتصادی و اخراج‌های ناگهانی جلوگیری شود.

2. افزایش دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی: ایجاد برنامه‌های آموزشی ویژه برای کودکان مهاجر و ارائه بیمه‌های درمانی ارزان‌قیمت برای این گروه می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت زندگی آن‌ها داشته باشد.
 3. حمایت اقتصادی از مهاجران: ایجاد فرصت‌های شغلی رسمی برای مهاجران افغان و ارائه وام‌های خرد به آن‌ها می‌تواند موجب بهبود وضعیت معیشتی آن‌ها شود و از وابستگی آن‌ها به مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد بکاهد.
 4. بهبود شرایط روانی و اجتماعی: سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های میزبان باید برنامه‌های حمایتی برای کاهش استرس و اضطراب مهاجران از طریق ارائه مشاوره‌های روانشناختی و حمایت‌های اجتماعی فراهم کنند.
 5. تقویت همکاری‌های بین‌المللی: سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری باید نقش فعال‌تری در حل بحران مهاجرت افغان‌ها ایفا کنند و کشورهایی مانند ایران و پاکستان را به ارائه حمایت‌های بیشتر به این مهاجران تشویق کنند.
 6. کاهش تبعیض و افزایش آگاهی عمومی: تحقیق برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی برای کاهش تبعیض و نژادپرستی علیه مهاجران، می‌تواند به ایجاد محیطی پذیراتر در جوامع میزبان کمک کند.
- این اقدامات می‌تواند موجب بهبود کیفیت زندگی مهاجران افغان شده و از تبعات منفی مهاجرت بر جوامع میزبان بکاهد. با اجرای سیاست‌های حمایتی مناسب، امکان ادغام اجتماعی و اقتصادی این مهاجران افزایش خواهد یافت و چالش‌های موجود در این حوزه کاهش خواهد یافت.

منابع و مآخذ

1. Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). Afghan refugees in Iran: Policies and challenges. *International Migration Review*.
2. Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). COVID-19, economic recession, and the Refugee situation. *International Migration* (Geneva, Switzerland), 59(1), 289.
3. Abbasi-Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran. *International Migration*, 53(6), 89-110.
4. Alemi, Q., & Stempel, C. (2018). Discrimination and distress among Afghan refugees in northern California. *PLoS One*.
5. Alemi, Q., Stempel, C., Baek, K., Lares, L., Villa, P., Danis, D., & Montgomery, S. (2016). Impact of postmigration living difficulties on the mental health of Afghan migrants residing in Istanbul. *International Journal of Population Research*, 2016(1), 7690697.
6. Borthakur, A. (2017). Afghan refugees: The impact on Pakistan. *Asian Affairs*.
7. Borthakur, A. (2017). Afghan refugees: The impact on Pakistan. *Asian Affairs*.
8. Braithwaite, A., & Salehyan, I. (2019). Refugees, forced migration, and conflict: Introduction to the special issue. *Journal of Peace Research*.
9. Braithwaite, A., Salehyan, I., & Savun, B. (2019). Refugees, forced migration, and conflict: Introduction to the special issue. *Journal of Peace Research*, 56(1), 5-11.

10. Dadush, U. (2018). The economic effects of refugee return and policy implications. World Bank Policy Research Working Paper.
11. Dimitriadi, A. (2013). Migration from Afghanistan to third countries and Greece. IRMA Background Report.
12. Dimitrov, A., & Angelov, G. (2017). Refugee integration in the EU: Challenges and economic impact. Economic Alternatives.
13. Divkolaye, N. S. H., & Burkle Jr, F. M. (2011). The enduring health challenges of Afghan immigrants and refugees in Iran: a systematic review. PLoS Currents.
14. Do, Q. T., & Devictor, X. (2017). How many years have refugees been in exile? Population and Development Review.
15. Donini, A., Monsutti, A., & Scalettari, G. (2016). Afghans on the move: seeking protection and refuge in Europe. Global Migration Research Paper, 17.
16. Fransen, S., & De Haas, H. (2022). Trends and patterns of global refugee migration. Population and Development Review.
17. Gladwell, C. (2021). The impact of educational achievement on the integration and wellbeing of Afghan refugee youth in the UK. Journal of Ethnic and Migration Studies.
18. Grawert, E., & Mielke, K. (2018). Coping with protracted displacement: How Afghans secure their livelihood in Afghanistan, Iran, and Pakistan. Sociology of Migration.
19. Hatton, T. J. (2020). Asylum migration to the developed world: Persecution, incentives, and policy. Journal of Economic Perspectives.
20. İcduygu, A., & Aksel, D. B. (2013). Turkish migration policies: A critical historical retrospective. Perceptions: Journal of International Affairs.
21. İcduygu, A., & Karadağ, S. (2018). Afghan migration through Turkey to Europe: Seeking refuge, forming diaspora, and becoming citizens. Turkish Studies.
22. Kavian, F., Mehta, K., Willis, E., Mwanri, L., Ward, P., & Booth, S. (2020). Migration, stress and the challenges of accessing food: an exploratory study of the experience of recent Afghan women refugees in Adelaide, Australia. International Journal of Environmental Research and Public Health, 17(4), 1379.
23. Khakpour, M., Iqbal, R., GhulamHussain, N., Engler-Stringer, R., Koc, M., Garcea, J., ... & Vatanparast, H. (2019). Facilitators and barriers toward food security of Afghan refugees residing in Karachi, Pakistan. Ecology of food and nutrition, 58(4), 317-334.
24. Khan, Asghar, Irfan Khan, and Noor Ullah Khan. "War, refugees and regional implications: The impact of Afghan refugees on local society of Khyber Pakhtunkhwa, Pakistan." Journal of Humanities, Social and Management Sciences (JHSMS) 2, no. 1 (2021): 121-132.

25. Kuschminder, K. (2018). Afghan refugee journeys: onwards migration decision-making in Greece and Turkey. *Journal of Refugee Studies*.
26. Lucassen, L. (2018). Peeling an onion: The "refugee crisis" from a historical perspective. *Ethnic and Racial Studies*.
27. McAuliffe, M., & Jayasuriya, D. (2016). Do asylum seekers and refugees choose destination countries? Evidence from large-scale surveys in Australia, Afghanistan, Bangladesh, Pakistan and Sri Lanka. *International Migration*.
28. Naseh, M., Potocky, M., & Pezeshk, S. (2018). Repatriation of Afghan refugees from Iran: A shelter profile study. *Journal of International Migration and Integration*.
29. Naseh, M., Potocky, M., Stuart, P. H., & Pezeshk, S. (2018). Repatriation of Afghan refugees from Iran: a shelter profile study. *Journal of International Humanitarian Action*, 3(1), 1-12.
30. Naseh, M., Potocky, M., Stuart, P. H., & Pezeshk, S. (2018). Repatriation of Afghan refugees from Iran: a shelter profile study. *Journal of International Migration and Integration*.
31. Pakravan-Charvadeh, M. R., Vatanparast, H., Frongillo, E. A., Khakpour, M., & Flora, C. (2022). The assessment of an extended set of socio-economic determinants to explain anxiety and uncertainty, insufficient quality and food intake of Afghan refugees. *Public Health Nutrition*, 25(3), 554-564.
32. Pakravan-Charvadeh, M. R., Vatanparast, H., Khakpour, M., & Flora, C. (2021). Food insecurity status of afghan refugees is linked to socioeconomic and resettlement status, gender disparities and children's health outcomes in Iran. *Child Indicators Research*, 14(5), 1979-2000.
33. Sajjad, T. (2018). What's in a name? 'Refugees', 'migrants' and the politics of labeling. *Race & Class*.
34. Sajjad, T. (2018). What's in a name? 'Refugees', 'migrants' and the politics of labelling. *Race & Class*, 60(2).
35. Salmani, I., Seddighi, H., & Nikfard, M. (2020). Access to health care services for Afghan refugees in Iran in the COVID-19 pandemic. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 14(4), e13-e14.
36. Schmeidl, S., & Maley, W. (2016). The case of the Afghan refugee population: finding durable solutions in contested transitions. In *Protracted Displacement in Asia* (pp. 131-179). Routledge.
37. Schmeidl, Susanne, and William Maley. "The case of the Afghan refugee population: finding durable solutions in contested transitions." In *Protracted Displacement in Asia*, pp. 131-179. Routledge, 2016.
38. Schneiderheinze, C., & Lücke, M. (2020). Socio-economic impacts of refugees on host communities in developing countries. PEGNet, Poverty Reduction, Equity and Growth Network.
39. Schuster, L., & Majidi, N. (2013). What happens post-deportation? The experience of deported Afghans. *Migration Studies*.
40. Stempel, C., & Alemi, Q. (2021). Challenges to the economic integration of Afghan refugees in the US. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 47(21), 4872-4892.

41. Takbiri, A., Takian, A., Rahimi Foroushani, A., & Jaafaripooyan, E. (2020). The challenges of providing primary health care to Afghan immigrants in Tehran: a key global human right issue. *International Journal of Human Rights in Healthcare*, 13(3), 259-273.
42. Trani, J. F., Kuhlberg, J., Cannings, T., & Chakkal, D. (2016). Multidimensional poverty in Afghanistan: who are the poorest of the poor? *Oxford Development Studies*, 44(2), 220-245.
43. Van Houte, M., Siegel, M., & Davids, T. (2015). Return to Afghanistan: Migration as reinforcement of socio-economic stratification. *Population, Space and Place*, 21(8), 692-703.